

برداشتی متفاوت از اقتصاد ایران

نویسنده: سعید فتحی سارانی

www.ketab.ir

سوتسانسه : فتخی سارانی، سعید، ۱۳۶۶ -
 عنوان و نام پدیدآور : برداشتی متفاوت از اقتصاد ایران / نویسنده سعید فتخی سارانی.
 مشخصات نشر : شیراز: ارم شیراز، ۱۳۹۳
 مشخصات ظاهری : ۱۰۰ص: جدول، نمودار.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۰۰-۵۵-۱
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : ایران --- سیاست اقتصادی -- ۱۳۸۴ - ۱۳۹۲
 موضوع : ایران --- سیاست اقتصادی -- ارزشیابی
 ر.بندی کنگره : ۱۳۹۳ ک.ب ۲ ف/ ۴۷۵ HC
 رده بندی دیویی : ۳۳۰/۹۵۵
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۴۴۳۶۸۷

نام کتاب: برداشتی متفاوت از اقتصاد ایران
 نویسنده: سعید فتخی سارانی
 صفحه آرا: محبوبه براهیمیان
 تیراژ: ۵۰۰ نسخه
 قطع: وزیری
 تعداد صفحات: ۱۰۰ص
 ناشر: انتشارات ارم شیراز
 توبت چاپ: اول
 لیتوگرافی، چاپ و صحافی: دیجیتال مهر
 قیمت: ۶۰۰۰ تومان
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۰۰-۵۵-۱
 مدیر مسئول انتشارات: دکتر مسعود صفار
 آدرس: شیراز- میدان دانشجو- مجتمع پزشکی نشاط- طبقه چهارم- انتشارات ارم شیراز
 تلفن: ۰۷۱۱-۶۴۶۲۰۷۷، فاکس: ۰۷۱۱-۶۴۶۲۰۵۸

وب سایت: www.erampub.ir

طبق قانون حمایت از آثار مولفین و مترجمین، تمامی حقوق جهت مولف و ناشر براساس قرارداد فی مابین
 محفوظ است و هرگونه کپی برداری
 ممنوع و پیگرد قانونی دارد.

فهرست

۷	 پیشگفتار
۹	 مقدمه
۱۰	 تراز پرداخت بانک مرکزی
۱۱	 رابطه تقاری
	فصل اول
۱۳	 اصلاح مختار اقتصاد کشور
۱۴	 ارزیابی نرخ مسکن مهر
۱۶	 مقایسه دولت در نظام سوسیالیستی
۱۸	 تثبیت نرخ ارز
۲۱	 خصوصی سازی
۲۱	 رفع کسری بودجه دولت
۲۷	 باید به حال کشور گریست!!
۲۹	 برنامه اولیه برای هدفمند کردن واقعی یارانه ها
۳۱	 حال حاضر چه کنیم؟
۳۲	 درسی که از عملکرد سال ۱۳۹۰ دولت باید گرفت
۳۳	 تأثیر رشد جمعیت بر اقتصاد
۳۵	 طرح های حمایت از ازدواج جوانان
۳۷	 پول های بر باد رفته
	 علت تورم سال ۱۳۹۱
۴۱	 افزایش یا کاهش نرخ بهره بانکی
۴۵	 برداشت اشتباه

فصل دوم

۴۹ اقتصاد مقاومتی

۵۲ اقتصاد مقاومتی و مقاومت اقتصادی

۵۳ برنامه کوتاه مدت

۵۳ قدرت اقتصادی آمریکا

۵۵ کنترل تقاضای ارز

۵۶ تغییر مبدأ واردات

۵۸ روی کار مؤثر

۵۹ برنامه میان مدت

۶۱ برنامه بلند مدت

۶۲ رشد جمعیت و قدرت اقتصادی

۶۲ تقویت روحیه جهادی

۶۴ نقش مهم مردم

۶۶ دو نقش ویژه جوانان

پیوست اول

۶۹ چند توصیه به دولت یازدهم

پیوست دوم

۷۷ احمدی نژاد بهترین گزینه ۸۴ و ۸۸

۸۵ احمدی نژاد بهترین انتخاب انتخابات سال ۸۸

۹۶ کلام آخر

۱۰۰ منابع و مآخذ

پیشگفتار

در چهار دهه گذشته در کشور شاهدیم هر دوره دولتی جدید با تیم اقتصادی متفاوت و با انتقاد از رویکرد دولت‌های گذشته، قول بهبود شرایط اقتصادی را می‌دهد. اما پس از گذشت دوره مسئولیت‌اشان، مشکلات اقتصادی حل نشده‌است. چند دهه در کشور تورم دورقمی وجود دارد در حالی که در اکثر کشورها تورم زیر ۵ درصد است. مگر اقتصاد ایران با دیگر اقتصادها چه تفاوتی دارد؟

به سبب رهبر معظم انقلاب دوران خطا و آزمایش به سر آمده‌است و باید از تجربیات گذشته عبرت گرفته شود.

به دلیل ضعف برنامه‌ریزان اقتصادی، مردم به آدرس‌های اشتباهی روانه می‌شدند. برخی مشکل را تخلفات مالی و فساد اقتصادی می‌دانند، اگرچه فساد موجب تضاد طبقاتی، رانت و برهم زدن محیط اقتصادی می‌شود اما مشکل اصلی اقتصاد ایران فساد نیست.

گروهی دیگر پیروی از قالب اقتصاد غربی را عامل مشکلات کشور می‌دانند. همین مکاتب اقتصادی در کشورها ی غربی و شرقی می‌تواند دو درصد به وجود آورند. هر چند معتقدم مکاتب اقتصادی غرب بحران‌زا است و برای رسیدن به اقتصاد پایدار باید از پیروی بی‌چون و چرا از این مکاتب روی برگرداند و به تولید علم در عرصه اقتصاد پرداخت. اما تنگناست شاخص‌های کلان کشور با دیگر کشورها پیروی از این مکاتب نیست.

طبقی دیگر پیروی نکردن از دستورالعمل‌های اقتصاددانان غربی را عامل مشکلات می‌دانند و درد کشور را عدم آزادسازی و دولتی بودن اقتصاد معرفی می‌کنند. هر چند اگر شرایط کشور بهبود یابد دولت باید به تصدی‌گری خود در اقتصاد پایان دهد، اما خصوصی‌سازی در حالی حاضر وضعیت اقتصاد را بدتر می‌کند و تورم را تشدید می‌کند.

از این طیف تحلیل‌ها برای همه آشنا است. در این کتاب بررسی می‌کنیم تفاوت از اقتصاد ایران ارائه داده می‌شود.

البته این کتاب پله‌های نخست در تولید علم در عرصه اقتصاد در کشور ایران است. ان شاءالله دیگران پله‌های بعدی را بردارند. در این کتاب خبری از روابط ریاضی پیچیده نیست و صرفاً با استفاده از ساده‌ترین روابط ریاضی به تحلیل مسائل پرداخته شده‌است.

در فصل اول، با رویکردی نقادانه به برخی مباحث اقتصادی کشور مانند بار تورمی مسکن، بهره‌برداران می‌شود و برخی از انتقاداتی مانند رشد نقدینگی و نحوه هزینه درآمدهای ارزی که به عملکرد دولت گذشته وارد می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد تا خواننده به درکی صحیح از وضعیت اقتصادی کشور دست یابد. سپس علت اصلی کسری بودجه و برنامه‌ای برای حل آن بیان می‌شود. در فصل دوم در مورد مقاوم سازی اقتصاد در برابر فشارهای دشمنان مطالبی گفته می‌شود. سه برنامه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت در کنار مباحثی مانند اقتصاد تهاجمی و نقش اتحاد مردم در خلق حماسه اقتصادی بیان می‌شود. به دلیل توجه ویژه

نظام جمهوری اسلامی به توسعه علمی، کشور پتانسیل کافی برای حل مشکلات اقتصادی را دارد. به تعبیر رهبر معظم انقلاب، در شرایط بدر و خیر قرار داریم. می‌توان به دو شیوه اقتصاد مقاومتی را تعریف کرد. اگر منظور از اقتصاد مقاومتی، یعنی اقتصادی که بتواند اقتصاد کشور را از تمام بحران‌هایی که امکان دارد اتفاق بیفتد ایمن کند، گستره آن بسیار جامع می‌شود. این کتاب بر طبق این تعریف نوشته نشده است.

در این مجموعه مشکلات اقتصادی به سه سطح تقسیم شده است. سطح اول، ساختار اقتصادی کشور را بررسی قرار می‌دهد و به این پرسش پاسخ می‌دهد، چرا شاخص‌های کلان کشور به ویژه تورم در چند دهه دو تری می‌دهد در حالی که در بسیاری از کشورها حدود دو درصد است؟ در سطح دوم فرض گرفته می‌شود ساختار اقتصادی اصلاح شود، چگونه با توجه به دشمنی نظام سلطه می‌توان به قدرتی جهانی تبدیل شد؟ سطح اول نیاز سطح دوم است. منظور از اقتصاد مقاومتی در ادامه بررسی سطح دوم است. در این کتاب به این دو سطح پرداخته می‌شود. در سطح سوم به این پرداخت می‌شود که چگونه می‌توان به اقتصاد پایدار دست یافت و بحران‌هایی که در بحران‌های اقتصادی غرب در کشور اتفاق نیفتد. در این سطح مبانی اقتصاد غرب مورد کاوش قرار می‌گیرد و به اقتصاد اسلامی و توحیدی ریخته می‌شود. سطح سوم آن‌شالله در آینده پس از انجام پژوهش‌های لازم می‌تواند جداگانه بیان می‌شود.

در پیوست اول توصیه‌های دولت روحانی شده است و در پیوست دوم رویکرد دولت نهم و دهم مورد بررسی قرار گرفته است.

متأسفانه به دلیل عدم شناخت صحیح کار اساسی اقتصادی، تصویر سیاهی از عملکرد دولت نهم و دهم در مقایسه با دولت‌های سابق ارائه شده است. در چند هیچ کدام از دولت‌های ایران در عرصه اقتصاد نمره قابل قبولی نمی‌گیرند ولی نمره دولت احمدی‌نژاد بالاتر از دیگر دولت‌ها است. همان‌گونه عملکرد دولت‌های پس از انقلاب بهتر از رژیم پهلوی است. شاهد کل گویایی در بین سیاسیون و نخبگان دلسوز کشور هستیم. این افراد دفاع جریبان آرمان‌خواه از دولت احمدی‌نژاد اشتهای می‌دانند. از اظهارات آن‌ها می‌توان به راحتی برداشت کرد دفاع رهبر معظم انقلاب از دولت روحانی را به قدر قابل قبول نمی‌دانند. البته عملکرد یک دولت تک‌بعدی نیست که با توجه عملکرد اقتصادی در مورد اقتصاد است. عرصه‌های دیگر مانند فرهنگ و سیاست خارجی کم‌اهمیت‌تر از اقتصاد نیستند. ولی در پیوست دوم نقش احمدی‌نژاد در اقتصاد ایران و سیاست خارجی دولت گذشته، دلیل کافی برای حمایت از احمدی‌نژاد در انتخابات‌های نهم و دهم ریاست جمهوری بوده است.

به اعتقاد نگارنده، اگر به توصیه‌های این کتاب عمل نشود، در کمتر از دو سال می‌توان شاهد شاخص‌های کلان کشور را بهبود داد و تا قبل از اتمام چشم‌انداز بیست ساله، ایران به یکی از قدرت‌های اقتصادی جهان تبدیل می‌شود.

سعید فتحی سارانی

۱۳ اسفند ۱۳۹۲

www.ketab.ir

ابتدا در مورد تراز پرداخت بانک مرکزی و نظریه مقداری، مطالبی مختصر ذکر می‌شود تا این کتاب برای افرادی که اقتصاد نخوانده‌اند نیز مفید باشد.

تراز پرداخت بانک مرکزی

بانک مرکزی می‌بایست به میزان بدهی‌اش، دارایی داشته باشد. تراز پرداخت جدولی است که یک طرف بدهی‌ها و طرف دیگر دارایی‌هاست.

یکی از دارایی‌های بانک مرکزی، دارایی‌های خارجی که همان ارز و طلا است. دارایی دیگر، خالص بدهی است به بانک مرکزی است. اگر کسی از دیگری طلبی داشته باشد این طلب جزء دارایی وی محسوب می‌شود. بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی بخش دیگری از دارایی‌هاست.

از طرف بدهی‌ها، بخشی اسکناس و مسکوکی است که در جامعه در حال گردش است. اسکناس حکم یک پول را دارد. رئیس بانک مرکزی و وزیر اقتصاد آن را صادر کرده است، مانند چک که حکایت از بدهی است و بدهنده آن بکسب کار است. تنها تفاوت اسکناس با چک در این است که مدت‌دار نیست. یعنی اسکناس چکی است. مدت‌دار بخش دیگر بدهی‌ها، ذخایر قانونی و احتیاطی بانک‌ها نزد بانک مرکزی است. بانک‌ها موظف اند بخشی از سپرده‌ها را نزد بانک مرکزی نگاه دارند.

وقتی دولت کسری بودجه دارد، بدهکار بانک مرکزی می‌کند و دارایی‌های بانک مرکزی افزایش می‌یابد. بانک مرکزی می‌تواند بدهی این را افزایش دهد پس به زبان عامیانه پول چاپ می‌کند و به دولت می‌دهد. در حقیقت بانک مرکزی پول چاپ می‌کند.

به جمع دارایی‌ها و یا بدهی‌های بانک را پایه پولی یا پول پرفدرت می‌گویند. این پول وارد جامعه می‌شود و از طریق مردم به صورت سپرده بانک‌ها می‌رود. بانک‌ها بخشی را به عنوان ذخیره قانونی به بانک مرکزی امانت می‌دهند و بقیه را وام می‌دهند. باز این وام به نظام بانکی برمی‌گردد چون وام‌گیرنده با وام به فعالیتی می‌پردازد، یا کالایی می‌خرد و پول به حساب دیگری می‌رود. این روند ادامه می‌یابد تا پولی که به بانک برگرردد به صفر حدی برسد. اگر همه نقدینگی به صورت سپرده باشد قدرت خلق پول بانک‌ها برابر با یک تقسیم بر نرخ ذخیره قانونی است. اگر نرخ ذخیره ۲۰ درصد است، قدرت خلق پول بانک‌ها برابر با علمی ضریب فزاینده پولی ۵ می‌شود. به حاصل ضرب ضریب فزاینده در ضریب نقدینگی می‌گویند.

نقدینگی شامل دو بخش پول و شبه پول است. به جمع اسکناس و سپرده‌های جاری پول می‌گویند. سپرده‌داری (حساب جاری) چون نقدینگی بالایی دارند جزء پول محسوب می‌شود. پس‌های غیردیناری شبه پول است. شبه پول خاصیت مبادلاتی پول را دارد ولی قدرت نقدینگی آن مانند پول نیست.

اگر گفته می‌شود بانک مرکزی پول چاپ می‌کند منظور این نیست که اسکناس چاپ می‌کند. برای مثال دولت بدهکار بانک مرکزی می‌شود و به همان اندازه بودجه‌اش را تأمین می‌کند. این پایه پولی جدید در اقتصاد با توجه به نرخ ذخیره قانونی گردش می‌کند و در نهایت به عنوان ذخایر قانونی بانک‌ها در طرف بدهی بانک مرکزی نمایان می‌شود.

رابطه مقداری

این رابطه معروفترین و مهمترین رابطه اقتصادی است. در یک طرف حجم مبادلات اقتصاد است. حجم مبادلات برابر با تعداد مبادلات ضرب در سطح عمومی قیمت‌هاست. به بیان کامل‌تر، حجم مبادلات برابر با مجموع نقدینگی که صرف امور فعالیت‌های مختلف اقتصادی می‌شود.

$$\text{حجم مبادلات} = \sum P_i T_i$$

به جای رابطه بالا از سطح متوسط قیمت‌ها استفاده می‌شود تا رابطه ساده‌تر شود. در طرف دیگر میزان قدرت خرید که در جامعه در یک سال وجود دارد. اگر در اقتصادی ۱۰۰۰ واحد نقدینگی وجود داشته باشد و این نقدینگی در سال دو بار بچرخد، گویی ۲۰۰۰ واحد نقدینگی در اقتصاد است. پس میزان قدرت خرید برابر با حاصل ضرب نقدینگی در سرعت گردش نقدینگی است. هر بخش از نقدینگی سرعت گردش متفاوتی دارد و رابطه اصلی به صورت زیر است.

$$\text{قدرت خرید} = \sum MV$$

برای سادگی از متوسط سرعت گردش نقدینگی استفاده می‌شود. پس رابطه مقداری به صورت زیر می‌شود.

$$MV = PQ$$

اگر از رابطه بالا لگاریتم طبیعی و سپس مشتق گرفته شود، رابطه زیر به دست می‌آید.

$$\dot{M} + \dot{V} = \dot{P} + \dot{T}$$

در رابطه بالا P رشد سطح عمومی قیمت‌ها یا همان تورم است. $\dot{P}$ نقطه به نقطه است. چون دسترسی به حجم مبادلات دشوار است به جای رشد مبادلات از رشد تولید ملی استفاده می‌کنند. غالباً این دو در یک راستا هستند.

$$\dot{M} + \dot{V} = \dot{P} + \dot{Q}$$

البته توجه شود رابطه زیر به هیچ عنوان درست نیست چون حجم مبادلات بیش از تولید ملی است و بسیاری از مبادلات در محاسبه تولید ملی در نظر گرفته نمی‌شود.

$$MV = PQ$$

در حالت عادی سرعت گردش نقدینگی تغییر چندانی نمی‌یابد و به عادات اجتماعی مردم بستگی دارد. تورم مابه تفاوت رشد نقدینگی و رشد تولید ملی است.